

مقدمه

خلق و خوی کمال طلبی انسان در اندیشه ماندگاری و کمال است. به همین جهت انسانها در این اندیشه اند که چگونه می توانند خود را ماندگار نمایند و نام و یاد آنها حتی بعد از مرگ نیز باقی باشد، یا در این فکر هستند که چگونه می توانند یک مشکل اجتماعی یا فرهنگی را حل و فصل کنند و یا چه کار خیری را می توانند انجام دهند که سالهای سال پس از عمرشان مؤثر باشد و جامعه از این کار خیر بهره مند شود.

از جمله اقداماتی که به راحتی هر یک از این اندیشه ها را محقق می کند «وقف» است چرا که این عمل تا زمانی که مال موقوفه قابل استفاده است، منافعی دارد که در راه های خیر مصرف می شود و خود مال موقوفه نیز باقی می ماند. لذا برخلاف بسیاری از کارهای خیر که ممکن است آثار کوتاه مدت داشته باشد وقف آثار بلندمدتی دارد.

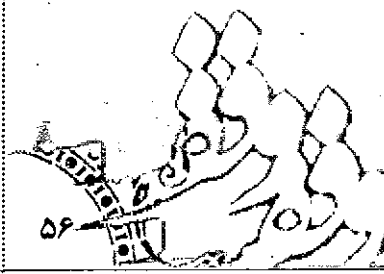
در طول تاریخ این عمل مورد توجه انسان ها بوده و آنان اموالی را برای عبادتگاه ها و یا دیگر کارهای خیر اختصاص می داده اند. در اسلام نیز نخستین بار پیامبر (ص) اموالی را که به او رسیده بود وقف نمود.

در قرآن اگر چه عیناً عبارت وقف به کار نرفته است ولی آیات متعددی از قرآن افراد را به انجام کارهای خیر و صالح توصیه می کنند که وقف از جمله مصادیق این آیات است؛ پیامبر (ص) و دیگر معصومین (ع) نیز با وقف هایی که خود انجام داده اند و توصیه هایی که در مورد وقف نموده اند توجه ویژه ای به این عمل خداپسندانه و صدقه جاریه داشته اند.

چگونه وقف کنیم؟

بعد از اینکه به اجمال نهاد وقف را شناختیم و فلسفه آن را دانستیم، این پرسش مطرح می شود چه گونه می توانیم چنین کار نیکی را انجام دهیم، به عبارت دیگر «چگونه وقف کنیم؟»

در این نوشتار نخست به عنوان مقدمه بعد از تعریف اختصاری وقف، شرایط واقف، شرایط موقوف علیه، جهاتی که وقف در مورد آن صحیح است، شرایط اموالی که قابل وقف هستند، نحوه اداره مال موقوفه و مراحل انجام وقف را بیان خواهیم کرد، تا راهنمای کسانی باشد که می خواهند مصداق آیه شریفه "السابقون السابقون" بوده، و در انجام اعمال خیر از دیگران پیشی بگیرند.



۱) تعریف وقف

۱-۱) وقف در لغت: «کلمه وقف در زبان فارسی به معنی ایستادن، نگه داشتن، منحصر کردن چیزی برای استفاده کسی است.» (دهخدا، ۱۳۷۲)

۱-۲) وقف در اصطلاح: اغلب فقها وقف را تحبیس اصل و اطلاق منفعت یا تحبیس اصل و تسبیل ثمره تعریف کرده‌اند. محقق کرکی می‌نویسد: منظور از تحبیس اصل، منع از تصرف به معنای نقل و انتقال از قبیل بیع، هبه، و... است.

فاضل مقداد نیز در توضیح می‌نویسد: منظور از تحبیس اصل، جلوگیری از نقل آن است از جهت خودش، و معنای اطلاق منفعت همان اباحه هرگونه تصرف برای مستحق آن است. (حائری، ۱۳۸۰، ص ۲۸)

ماده ۵۵ قانون مدنی نیز با الهام از مبانی فقهی، وقف را این گونه تعریف می‌کند: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». منظور از حبس نمودن مال در این ماده این است که واقف مال را برای همیشه از مالکیت خود خارج می‌کند و عین مال غیر قابل نقل و انتقال به دیگران حتی توسط موقوف علیه است. منظور از تسبیل در ماده مذکور این است که واقف منافع مال وقف شده را برای مصارف خیریه برای رضای خدا اختصاص می‌دهد. (امامی، ۱۳۶۸، ص ۷۰؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷).

بنابراین مالی قابل وقف است که با استفاده از منافع آن قابلیت بقا داشته باشد. به عبارت دیگر مالی که مصرف شدنی است و با استفاده از منافعی، از بین می‌رود قابل وقف نیست بلکه مالی قابل وقف کردن است که وقتی از منافع آن استفاده می‌شود خود مال از بین نرود و باقی بماند.

۲) انواع وقف

به صورت کلی وقف بر دو نوع است:

۲-۱) وقف عام

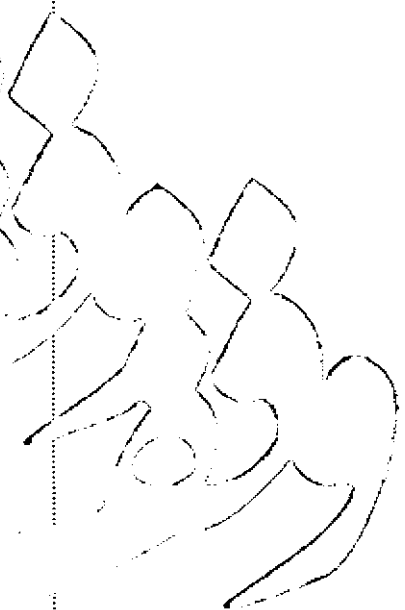
وقفی است که بر جهات و عناوین عام باشد. (جناتی، ۱۳۷۳، ص ۵۰) وقف عام یا مصلحت عام را در نظر دارد مثل: وقف بر مساجد، پل‌ها و مدارس و یا شامل عنوان عامی است مثل وقف بر فقرا و ایتم. (جابری، ۱۳۶۳، ص ۱۸۲) به تعبیر دیگر وقتی شخصی مال قابل دوام خود را برای کارهای عمومی و عام المنفعه وقف می‌کند، وقف عام است.

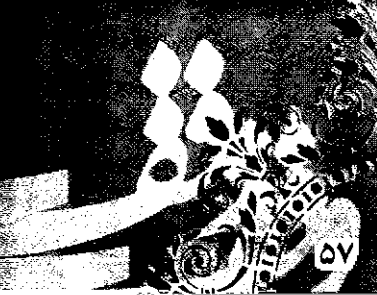
۲-۲) وقف خاص (مانند وقف بر اولاد)

وقف خاص، وقفی است که به افراد معینی اختصاص یافته به نحوی که اشخاص بعدی که در وقف مشخص شده‌اند نیز از آن بتوانند استفاده نمایند. به طور مثال می‌توان «وقف بر اولاد» یا «وقف بر دانشجویان دانشگاه تهران» را نام برد. مثال واضح‌تر اینکه شخصی مال غیر منقول یا مال منقول قابل دوام خود را وقف می‌کند که فرزندان او از منافع مال بهره‌برند این عمل، وقف خاص است. در نتیجه اگر قصد واقف جهات عمومی و عام المنفعه باشد، وقف عام است و اگر برای افراد خاص باشد وقف خاص تلقی می‌شود.

وقف در قرآن و سنت

در قرآن کریم عبارت وقف عیناً به کار نرفته است ولی در آیات متعددی مسلمانان به انجام اعمال صالح، مانند پرداخت صدقه به فقرا، قرض الحسنه، تعاون، انفاق، محبت و کمک به هموعان توصیه





شده‌اند که به نوعی با روح وقف سازگاری داد، در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. آیاتی که انسان را به عمل صالح ترغیب و توصیه نموده که وقف کردن نیز نوعی کار خیر و عملی خداپسندانه است. (آل عمران، ۹۲؛ بینه، ۷؛ انعام، ۱۶۰؛ یونس، ۲۶؛ رعد، ۲۹)

۲. آیاتی که به تألیف قلوب و جلب محبت دیگران دلالت دارد که یکی از موارد مصرف درآمدهای وقف در جهت تحکیم و تثبیت روح همبستگی و محبت است. وقف احسانی است عاری از منت که در بسیاری از موارد موقوف علیه، واقف را ملاقات نکرده و نمی‌شناسد ولی از لطف او بهره‌مند است. (مریم، ۹۶؛ بقره، ۲۶۲ و ۲۶۵)

مفسران قرآن از جمله طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه شریفه «لن تتالوا البر حتی تتفقوا مما تحبون» (آل عمران، ۹۲). از دلالت این آیه شریفه بر وقف و «صدقه ی جاریه» سخن گفته و وقف را یکی از مصادیق «بر» دانسته و نقل کرده‌اند که با نزول این آیه شریفه، ابوظلحه انصاری، بوستان محبوب و مورد علاقه خود را در راه خدا وقف کرد. نیز زید بن حارثه اسب مورد علاقه‌اش را به عنوان صدقه و وقف داد.

ذیل آیات دیگری مفسران به مسأله وقف اشاره کرده‌اند از آن جمله:

۱- آیه شریفه: «لیس البر ان تولوا... ولكن البر من امن بالله... و اتی المال علی حبه...» (بقره، ۱۷۷). مفسران گفته‌اند در این آیه شریفه کلمه «بر» مضاف است، به اعتبار قرینه حذف شده، و آیه مبارکه چنین بوده «و لکن البر، بر من امن بالله» که منظور امور خیریه و وقف است.

۲- آیه شریفه «... و الباقیات الصالحات خیر عند ربک...» (کهف، ۴۶). مفسران بر این عقیده‌اند که وقف یکی از مصادیق بارز «باقیات الصالحات» است.

مسأله وقف، تحت عنوان «صدقه جاریه» و «صدقه و انفاق فی سبیل الله» در احادیث پیامبر اسلام (ص) فراوان آمده است. در حدیث مشهوری می‌فرمایند: «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاثة: صدقة جاریة او علم ینتفع به، او ولد صالح یدعوه» (بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲) یعنی هرگاه انسان بمیرد (رشته) عمل او (در دنیا) قطع می‌شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه (مانند وقف)، یا علمی که از آن سود برده شود، و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.

پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) گذشته از این که به فقرا، ضعفا، مستمندان و قشرهای محروم اجتماع کمک می‌کردند، آیندگان را نیز فراموش نمی‌کردند و با به جا گذاشتن صدقات و موقوفات زیادی از املاک و زمین‌ها و اموال خویش، سنت حسنه وقف را پایه ریزی کردند. یکی از فصول درخشان زندگانی این پیشوایان بزرگ، اقدامات آنان در زمینه وقف است، که هم مردم را به وقف تشویق می‌کردند و هم شخصا املاک و دارایی‌های ارزنده‌ای را وقف می‌کردند. (شهیدی فر، وقف در قرآن و سنت)

به عنوان نمونه امام باقر (ع) به ابوبصیر مرادی فرمود: آیا می‌خواهی وصیت مادرم زهرا را دربارهی وقف، به تو نشان بدهم که این وقف‌نامه با درخواست مادرم زهرا (س) و به وسیله جدم علی (ع) نوشته شده است؟ ابوبصیر عرض کرد: بسیار خوشحال می‌شوم. امام از ظرفی که کنارش بود، کاغذی درآورد که در آن چنین نوشته شده بود:

"بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما أوصت به فاطمة بنت محمد (ص) أوصت بحوائطها السبعة بالعواف و الدلال و البرقة و المبيت و الحسنی و الصافیة و مال ام ابراهیم الی علی بن ابی طالب. فإن مضی علی فإلی الحسن، فإن مضی الحسن فإلی الحسنین فان مضی الحسنین فإلی الأكبر من ولدی، أشهد الله علی ذالک و المقداد بن الأسود و الزبیر بن العوام."

ترجمه: این وصیت نامه‌ی فاطمه دختر محمد است. وصیت کرد بوستان‌ها [باغ‌ها] ی هفتگانه‌ای که در محل‌هایی به نام «عواف» و «دلال» و «برقه» و «مبیت» و «حسنی» و «صافیة» و «مال ام ابراهیم» قرار دارند. وصیت این است که درآمد این بوستان‌ها با دست علی پس از وی حسن و پس از وی حسین و پس از آن به وسیله اولاد ارشد هزینه شود. خداوند را بر این وصیت شاهد می‌گیرم. و مقداد و زبیر بن عوام نیز شاهد این وصیت هستند.» (نجفی، ۱۳۸۳، ص ۵۷)

آثار وقف

با یک بررسی تاریخی در می‌یابیم که دولت‌ها به تنهایی در حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، نمی‌توانند موفق باشند و نیازمند همکاری نهادهای مردمی هستند. یکی از نهادهای مردمی که نقش مؤثری در ساماندهی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی داشته نهاد وقف است. لذا، در ادامه به برخی از آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این نهاد اشاره می‌کنیم.

۱) آثار اجتماعی وقف

نهاد وقف در حوزه اجتماعی آثار فراوانی در طول تاریخ داشته که به اختصار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- الف) ایجاد مراکز حمایت از زنان بی‌سرپرست؛
- ب) ایجاد مراکز بهداشتی برای مبارزه با بیماری‌های واگیردار و...؛
- ج) ایجاد بیمارستان‌ها؛
- د) ایجاد خانه‌های سالمندان؛
- هـ) ایجاد آب انبارها و... .

اما امروزه نیازهای اجتماعی جدیدی وجود دارد که دولت به تنهایی امکانات و توانایی لازم جهت برآورده کردن آنها را ندارد. اما اگر واقفان در این موارد وارد شوند، بسیاری از این نیازها سریعتر برآورده می‌شود. برخی از مواردی که در زمینه اجتماعی لازم است مورد حمایت نهاد وقف قرار گیرد عبارتند از:

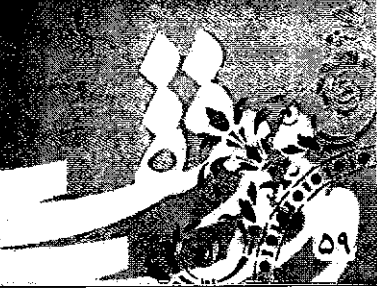
- الف) ایجاد مراکز شبانه روزی برای حمایت از دانش آموزان بی‌سرپرست و نیازمند؛
- ب) ایجاد مراکز سالمندان برای حمایت از سالمندان فاقد مسکن؛
- ج) ایجاد مراکز درمانی برای درمان بیماری‌های خاص و پرهزینه نظیر سرطان، تالاسمی؛
- د) ایجاد مراکز آموزشی برای عقب‌ماندگان ذهنی و جسمی و حمایت مالی از این مراکز؛
- هـ) ایجاد مراکز بهداشتی یا تأمین امکانات مورد نیاز برای درمان اقشار نیازمند جامعه با هزینه‌اندک و حمایت از طرح‌های ابتکاری حوزه بهداشت و درمان؛
- ز) ایجاد مراکز اورژانس برای کمک به مصدومان سوانح رانندگی و بلایای طبیعی؛
- ح) تأمین امکانات برای اطلاع‌رسانی و کمک به زائرین و مسافرین؛
- ط) ایجاد مراکز بانک خون و اعضا برای بیماران نیازمند به این موارد؛
- ی) تأمین هزینه‌های حق الوکاله افراد فاقد پشتوانه مالی که برای دفاع از حقوق خود نیازمند وکیل هستند.

- ک) تأمین فضا و امکانات ورزشی برای رشته‌های مختلف در مناطق محروم؛
- ل) ایجاد زمینه‌هایی برای گسترش فرهنگ صلح و دوستی و هم‌زیستی مسالمت آمیز؛
- م) ایجاد مراکز تحقیقاتی و پژوهشی برای ارتقای سطح علمی کشور.

۲) آثار اقتصادی وقف

در حوزه اقتصادی وقف در طول تاریخ آثار به‌سزایی داشته، از جمله این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- الف) جلوگیری از انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای خاص و ایجاد توازن اقتصادی بین اقشار جامعه؛
- ب) حمایت اقتصادی از اقشار کم‌درآمد؛
- ج) تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد؛
- د) اشتغال‌زایی و کمک به رفع معضل بیکاری.



اما امروزه نیازهای اقتصادی جامعه پیچیده تر شده و بدون حضور نهادهای مردمی در این عرصه برطرف نخواهند شد. لذا شایسته است واقفان در زمینه‌های ذیل برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی جامعه، اقدام به وقف اموال خود نمایند.
الف) تأسیس و ایجاد کارگاه‌هایی جهت حرفه‌آموزی و اشتغال نیروهای جویای کار به ویژه قشر نیازمند جامعه؛

ب) تأسیس صندوق‌های قرض الحسنه و اعتباری جهت اعطای وام به نیازمندان و نیز ایجاد اشتغال؛
ج) ایجاد مراکز تحقیقاتی در حوزه صنعت و تولید داخلی؛
د) حمایت مالی از طرح‌های ابتکاری در حوزه تولید و صنعت؛
هـ) ساخت مسکن‌های ارزان قیمت و نیز تأمین زمین برای ساخت مسکن جهت تخصیص به نیازمندان به ویژه زوج‌های جوان.

۳) آثار فرهنگی وقف

آثار فرهنگی که وقف در طول تاریخ به جای گذاشته است بسیارند، در اینجا به اختصار چند مورد از این آثار بیان می‌شود:

الف) تأسیس مدارس دینی و حوزه‌های علمیه؛
ب) تأمین هزینه‌های مدارس علوم دینی؛
ج) ساخت مساجد و حسینیه‌ها؛
د) ساخت حرم‌های ائمه و امام زاده‌ها و حمایت مالی در اداره آنها؛
هـ) تأمین هزینه‌های برگزاری مراسم عزاداری ائمه اطهار(ع) و زنده نگه داشتن اعیاد مذهبی و...

اما امروزه نیازهای فرهنگی جامعه گسترش یافته و لازم است که واقفان در حوزه فرهنگ به نیازهای جدید توجه کرده و صدقه جاریه خود را برای برطرف کردن این نیازها اختصاص دهند؛

الف) تأسیس مراکز علمی و دانشگاهی؛

ب) پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان و دانش‌آموزان و طلاب مستعد و کم‌درآمد؛
ج) تأمین کتب و سایر لوازم مورد نیاز دانشجویان و دانش‌آموزان نخبه و کم‌درآمد؛
د) حمایت از طلاب مستعد و حمایت مالی از طلاب اهل تحقیق و پژوهش دینی؛
هـ) احداث و تجهیز خوابگاه‌های دانشجویی و دانش‌آموزی؛
و) تأسیس و تجهیز کتابخانه‌های عمومی و اختصاصی و تأمین کتب مورد نیاز دانشجویان و دانش‌آموزان و دیگر مراجعان؛

ز) تجهیز قرائت‌خانه‌ها، کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌های مدارس به ویژه مدارس مناطق محروم و روستاها؛

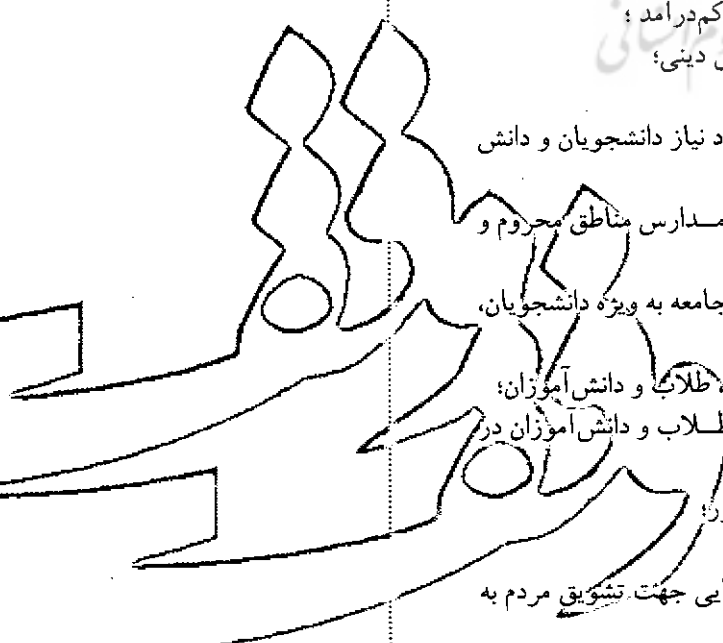
ح) ایجاد چاپخانه یا کمک به چاپ و نشر کتب درسی و مذهبی مورد نیاز جامعه به ویژه دانشجویان، طلاب و دانش‌آموزان؛

ط) حمایت مالی جهت چاپ و نشر مقالات علمی و تحقیقاتی دانشجویان، طلاب و دانش‌آموزان؛
ی) راه‌اندازی و تجهیز سایت‌های اینترنتی برای استفاده دانشجویان، طلاب و دانش‌آموزان در زمینه‌های علوم قرآنی، ترویج فرهنگ قرآن و علوم مورد نیاز جامعه؛

ک) تأسیس و تجهیز کتابخانه‌های سیار و اعزام آنها به مناطق مختلف کشور؛

ل) حمایت مالی جهت ترویج فرهنگ قانون‌مداری در جامعه؛

م) تأسیس و تجهیز بنیادهایی جهت شناختن تاریخ کشور و ایجاد زمینه‌هایی جهت تشویق مردم به ویژه جوانان و نوجوانان برای پی بردن به گذشته کشور و مردم خویش؛



ن) حمایت مالی از هنر و هنرمندان جهت ترویج دین و فرهنگ اصیل ایرانی به زبان هنر؛
 س) ایجاد بنیادها و مؤسسات خیریه جهت زنده نگه داشتن مناسبت‌های مهم مذهبی و ملی؛
 ع) حمایت‌های تشویقی از نخبگان علمی.

شرایط وقف

۱) جهت مصرف وقف

آیا مالک می‌تواند مال خود را برای هر منظوری وقف کند؟
 مطابق ماده ۶۶ قانون مدنی «وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است.» همچنین در بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی یکی از شرایط صحت معامله مشروعیت جهت معامله شمرده شده است. لذا مطابق مقررات موجود، وقف برای مقاصد غیرقانونی و غیرشرعی باطل است و وقف محسوب نمی‌شود. ناگفته نماند که این مقررات بر اساس آموزه‌های دینی و قرآنی تدوین شده‌اند.

با توجه به مراتب یاد شده اگر کسی هدفی را برای مصرف وقف تعیین کند که خلاف اصول و مبانی دینی و اخلاقی و نظم اجتماعی باشد، چون مقصود نهایی او انجام و تقویت کارهای خلاف شرع و قانون است، وقف او قابل قبول نیست. مثلاً، اگر شخصی مالی را وقف کند که درآمد آن صرف کارهای خلاف عفت عمومی شود یا زمینی را برای ایجاد قمارخانه و مشروب‌فروشی وقف نماید، این وقف باطل است و هیچ توجیه قانونی ندارد.

۲) شرایط واقف

شخصی که وقف می‌کند واقف نامیده می‌شود. آیا هر شخصی می‌تواند وقف کند؟ مطابق ماده ۵۷ قانون مدنی واقف باید مالک مالی که وقف می‌کند باشد به علاوه واقف باید دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است. بنابراین، واقف علاوه بر اینکه مالک مال باشد باید عاقل، بالغ، مختار باشد تا بتواند مال خود را وقف کند. در صورتی که واقف یکی از شرایط مذکور را نداشته باشد مثلاً صغیر یا مجنون یا سفیه باشد، وقف وی باطل یا غیر نافذ است و فقط با اجازه ولی یا قیمی که مصلحت مولی علیه خود را رعایت می‌کند می‌تواند وقف نماید.

البته ممکن است افرادی مایل به وقف قسمتی از اموال خود بوده ولی به خاطر مشغله کاری بسیار فرصت انجام تشریفات اداری وقف را نداشته باشند، این افراد می‌توانند به ادارات اوقاف مراجعه نموده و به آنها وکالتنامه‌ای برای انجام تشریفات و مراحل اداری وقف اعطا کنند تا این اداره از طرف ایشان، اقدامات لازم را انجام دهد.

۳) شرایط مال موقوفه

چه نوع مالی را می‌توان وقف کرد؟ هر مالی قابل وقف کردن نیست بلکه باید مالی که وقف می‌شود این شرایط را داشته باشد:

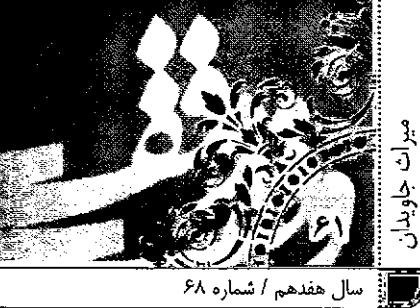
۱-۳. باقی ماندن عین بعد از انتفاع

مطابق ماده ۵۸ قانون مدنی فقط مالی جایز است که با بقاء عین بتوان از آن منتفع شد اعم از اینکه منقول، غیر منقول، مشاع یا مفروز باشد. بنابراین مالی را که با استفاده آن، از بین می‌رود، مانند مواد خوراکی، نمی‌توان وقف نمود.

۲-۳. امکان قبض و اقباض

مطابق ماده ۶۷ قانون مدنی وقف مالی که قابل قبض و اقباض نیست باطل است مثلاً مروریدی که به

واقف علاوه بر این که باید مالک مال باشد بایستی، عاقل، بالغ، مختار باشد تا بتواند مال خود را وقف کند. در صورتی که واقف یکی از شرایط مذکور را نداشته باشد مثلاً صغیر یا مجنون یا سفیه باشد، وقف وی باطل یا غیر نافذ است و فقط با اجازه ولی یا قیمی که مصلحت مولی علیه خود را رعایت می‌کند می‌تواند وقف نماید



قعر دریا افتاده است قابل وقف نیست ولی اگر موقوف علیه قادر به اقباض آن مال باشد، وقف آن صحیح است. وقف مالی که دارای شرایط فوق باشد، صحیح است ولی در برخی موارد ممکن است شخصی که بدهکار است برای ضرر رسانیدن به طلبکاران خود اقدام به وقف اموال خود نماید در این حالت، مطابق ماده ۶۵ قانون مدنی، وقف در صورتی صحیح است که طلبکاران واقف، به وقف او رضایت دهند. همچنین مالی که منافع آن موقتاً متعلق به دیگری است مثلاً در اجاره دیگری است، اشکالی ندارد. لذا، وقف مال الاجاره‌ای که مستأجر آن را تخلیه نمی‌کند اشکالی ندارد و بعد از وقف، متولی موقوفه باید اقدامات لازم را برای تخلیه انجام دهد.

۳-۳. وقف طلا و نقره

طبق تعریف وقف، عین مال موقوفه حبس می‌شود یعنی بایستی عین مال موقوفه باقی بماند و فقط از منافع آن صرف موقوف علیهم شود، لذا، زمانی وقف طلا و نقره صحیح است که جهت استفاده به عنوان زیورالات وقف شوند در این صورت از منافع آنها استفاده می‌شود، به عنوان مثال فردی تعدادی انگشتر یا گردنبند وقف کند تا دختران نیازمند هنگام مراسم ازدواج خود از آنها استفاده کنند و بعد از استفاده به متولی برگردانند، چون در این مورد، از طلا و نقره وقف شده، استفاده عقلایی به عمل می‌آید و عین مال موقوفه باقی می‌ماند، وقف صحیح است.

۳-۴. وقف سهام شرکت‌ها

از آنجایی که شرکت‌ها در چارچوب مقررات خاصی شکل می‌گیرند و مطابق ضوابط خاصی فعالیت می‌کنند، سهام شرکت‌هایی که موقتی تشکیل نشده‌اند قابل وقف هستند، چون اصل سهام باقی می‌ماند و فقط منافع آن برای اجرای نیت واقف مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا، کلیه مقررات وقف نیز بر وقف سهام حکم فرماست و با استناد به ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه سهام وقف شده دارای شخصیت حقوقی هستند و توسط متولی تعیین شده یا حسب مورد توسط سازمان اوقاف اداره می‌شوند.

از نگاه دیگر باید یادآور شد که وصول منافع سهام وقف شده، سهل‌تر از سایر رقیبات موقوفات است ولی خطر سقوط قیمت سهام را با توجه به شرایط اقتصادی امروز نباید نادیده گرفت، در مجموع وقف سهام صحیح بوده و صدقه جاریه محسوب می‌شود.

۴) شرایط موقوف علیه (کسی که بر او وقف شده)

چه فرد یا افرادی می‌توانند از منافع مال موقوفه استفاده کنند؟

در پاسخ باید گفت مطابق ماده ۷۲ قانون مدنی تنها شخصی که نمی‌تواند موقوف علیه قرار گیرد خود شخص واقف است؛ به عبارت دیگر، واقف نمی‌تواند مالی را برای خودش یا برای پرداخت دیون یا سایر مخارج خود وقف کند. فرقی هم بین مخارج زمان حیات و زمان فوت واقف وجود ندارد. اما مطابق ماده ۷۴ قانون مدنی اگر شخصی مالی را برای مصالح عامه وقف کرد و خود نیز جز موقوف علیهم بود، می‌تواند از منافع وقف منتفع شود و به صحت وقف خللی وارد نمی‌شود. همچنین اگر واقف بعد از اینکه مالی را وقف کرد و به خاطر تغییرات اوضاع و احوال بعداً خود نیز از مصادیق موقوف علیهم شد، می‌تواند از منافع مال موقوفه استفاده کند.

۵) شرایط تحقق وقف

فقیه حلی صاحب کتاب شرائع الاسلام چهار شرط برای صحت وقف ذکر می‌کند:

الف) دوام، یعنی وقف باید ابدی باشد و نه موقت.

ب) تنجیز، یعنی اینکه وقف معلق و مشروط نباشد.

ج) به تصرف دادن، یعنی مسلط کردن موقوف علیه (متولی یا حاکم شرع) بر موقوفه و برداشتن تسلط خود از آن. ولی اگر چیزی را بر اولاد صغیر خود وقف کند و به قصد اینکه آن چیز وقف آنان



باشد و از طرف آنان نگهداری کند وقف صحیح است.

د) از خود بیرون کردن، یعنی بر خود وقف نکردن است. بنابراین اگر برای وقف مدتی قرار داده شود به علت عدم دوام، وقف باطل است. همچنین اگر وقف را موکول بر حصول شرایطی کند، به علت عدم تنجیز، وقف باطل است. و نیز اگر ابتدا بر خود وقف کند و بعد بر غیر، برخی گفته‌اند: وقف در حق خودش باطل و در حق غیر صحیح است. (سلیمی فر، ۱۳۷۰، ص ۲۵)

روش اداره اموال موقوفه

در اداره موقوفه اشخاص متعددی نقش دارند که به اختصار نقش هر یک را بیان می‌کنیم.

۱) متولی

متولی موقوفه کیست و توسط چه کسی تعیین می‌شود؟

متولی کسی است که اداره امور موقوفه را به عهده دارد (سیاح، ۱۳۷۳، ذیل واژه متولی) اگر واقف در وقف‌نامه یا ضمن تشکیل وقف کسی را به عنوان متولی برای اداره موقوفه تعیین کرد چنین فردی، «متولی منصوص» نامیده می‌شود. متولی منصوص ممکن است برای مدت معینی تعیین شود یا مادام العمر باشد. ضمناً واقف می‌تواند خود تولیت موقوفه را به عهده بگیرد. همچنین، واقف می‌تواند اشخاص دیگری را نیز در کنار تولیت خود به عنوان متولی معرفی کند.

واقف می‌تواند، یک یا چند نفر غیر از خود را مستقلاً یا مجتمعاً به عنوان متولی معرفی کند و می‌تواند شرط کند که خود او یا متولی که معین کرده فرد دیگری را به عنوان متولی جدید تعیین کند یا هر ترتیب دیگری که برای تعیین متولی لازم می‌داند معین کند.

واقفان بهتر است به این نکته توجه کنند که ممکن است متولی منصوص فوت کند یا به علت تعدی یا تفریطی که انجام داده شرایط لازم برای تولیت را از دست بدهد، لذا علیرغم تعیین متولی بهتر است در وقف‌نامه اوصاف و شرایطی را که برای متولی موقوفه مد نظر دارند ذکر نمایند تا در صورت نیاز به انتخاب متولی جدید، سازمان اوقاف یا دادگستری در تعیین متولی، نظرات واقف را اعمال نمایند. همچنین واقف علاوه بر ذکر اوصاف و شرایط متولی در وقف‌نامه می‌تواند هیأتی را تعیین کند که برابر شروط و اوصاف ذکر شده متولی را تعیین کنند. با اتخاذ این تدابیر توسط واقف، اداره موقوفه در آینده با مشکلات کمتری مواجه خواهد بود.

۲) ناظر

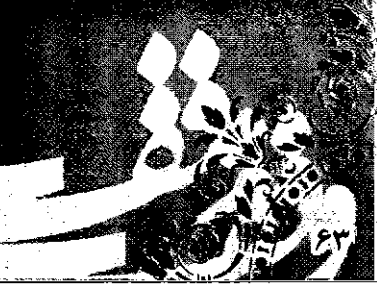
ناظر چه کسی است؟ توسط چه کسانی انتخاب می‌شود و چه نقشی ایفا می‌کند؟

ناظر شخصی است که عمل یا اعمال شخص یا اشخاص را مورد توجه قرار می‌دهد و صحت و سقم آن عمل یا اعمال آنها را به مقیاس معینی که معهود است می‌سنجد و باید برای این کار اختیار قانونی داشته باشد.

مطابق ماده ۷۸ قانون مدنی واقف می‌تواند برای نظارت بر اعمال متولی ناظری تعیین کند تا با متولی اعمال خود را به اطلاع او برساند یا با تصویب او اعمال اداره موقوفه را انجام دهد. بنابراین نظارت یا استعلامی است یا استصوابی. نوع نظارت همان طور که گفته شد توسط واقف تعیین می‌شود.

۲-۱- نظارت استعلامی

در نظارت استعلامی متولی صرفاً برنامه‌ها و اقداماتی را که می‌خواهد انجام دهد به اطلاع ناظر می‌رساند و اگر ناظر ایراد خاصی به برنامه‌ها و اقدامات متولی وارد کرد باید این ایراد را برطرف کند و اگر به نظرات ناظر توجه نکرد، ابتدا ناظر به او تذکر داده و در صورت عدم توجه مجدد، از طریق دادگاه صالح اقدام می‌کند در واقع متولی به طور مستقیم مدیریت خود را اعمال می‌کند و ناظر غیرمستقیم در اداره موقوفه دخیل است.



۲-۲- نظارت استصوابی

در نظارت استصوابی متولی باید کلیه برنامه‌ها و اقدامات خود را قبل از اجرا به تصویب ناظر برساند و پس از تأیید ناظر آنها را اجرا کند. در صورتی که بدون تصویب ناظر، متولی برنامه خود را اجرا نماید، ناظر می‌تواند علیه او اقامه دعوا کند و کلیه خسارات وارده به موقوفه را مطالبه نماید. در واقع ناظر مستقیماً در اداره موقوفه دخالت دارد.

نکته ای که مورد توجه واقفان است این که اگر جایگاه قانونی ناظر به طور جامع و کامل تعریف شود می‌تواند در جهت بهتر اداره شدن موقوفات کمک کند و نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. لازم به ذکر است که معمولاً موقوفاتی که ناظر داشته‌اند در اداره امور موفقیت بیشتری کسب نموده‌اند؛ لذا توصیه می‌شود که واقفان با برنامه‌ریزی صحیح برای نظارت بر کار متولی ناظر تعیین نمایند.

۳) نقش سازمان اوقاف و امور خیریه

سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمانی است که در سطح کلان احیاء، حفظ و اداره موقوفات کشور و سایر موارد اختصاص یافته به امور خیریه و عام المنفعه و همچنین اداره و نظارت بر اماکن مذهبی، مساجد و بقاع متبرکه، و نشر و گسترش معارف اسلامی و فرهنگ نیکوکاری وقف را بر عهده دارد. این سازمان در شهرستان‌ها و استان‌های کشور نیز از طریق اداره کل و ادارات شهرستان، اهداف یاد شده را پیگیری می‌کند.

وظایف سازمان مطابق ماده یک قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ بوده که اولین مورد آن عبارت است از: «اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحق و یا رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بر دخالت ولی فقیه باشد.»

مراحل انجام وثبت یک وقف

در بخش پایانی جهت راهنمایی خیرین و واقفان که قصد وقف قسمتی از اموال خود را دارند به طور مختصر فرآیند عملی چگونگی انجام و ثبت وقف بیان می‌گردد.

وقف کردن دو راه دارد یکی راه "شرعی" و دومی راه "ثبتي و قانونی". وقف کردن با نوشتن "وقف‌نامه" و با تأیید شاهدان از نظر شرعی تحقق می‌یابد، ولی ثبت آن در "دفتر اسناد رسمی" وابسته به سازمان ثبت کشور یا "اداره سازمان اوقاف" آن را از نظر حقوقی تضمین می‌کند.

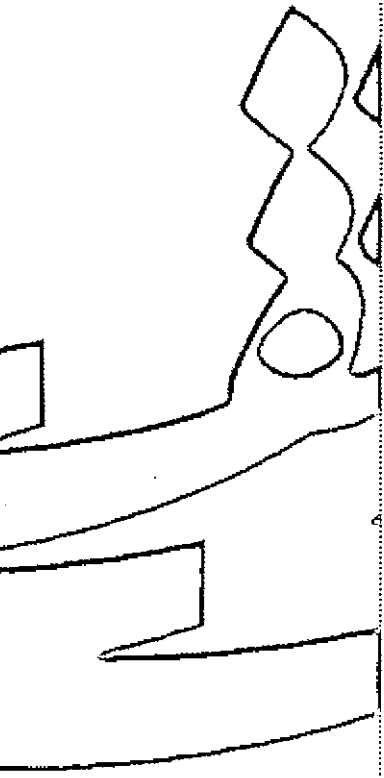
واقف می‌تواند از راه گوناگون ملک یا مال خود را وقف کند از جمله آن‌ها:

۱. واقف اگر آگاهی فقهی و یا حقوقی برای وقف کردن دارد می‌تواند بر اساس فقه اسلامی و با رعایت قانون مدنی ایران و قوانین مصوب برای سازمان اوقاف و امور خیریه "وقفنامه" ای با تعیین اموال وقفی و شرایط وقف و متولی و موقوف علیهم را تهیه نماید. و در صورت عدم آگاهی از مسائل فقهی و حقوقی می‌تواند برای مشاوره و دریافت کمک با همراه داشتن سند مالکیت مال مورد نظر وقف و سایر مدارک، به ادارات اوقاف و امور خیریه مرکزی یا شعب آن در شهرستان‌ها نزد "مسئول امور اوقافی" جهت مشاوره مراجعه می‌کند.

۲. واقف نخست باید به طور دقیق مال مورد وقف، مصرف درآمد وقف (اگر وقف انتفاع نباشد)، متولی و حق التولیه و سایر موارد لازم را مشخص نماید تا در وقفنامه ثبت شود.

۳. چنانچه دارایی فرد برای وقف "سهام کارخانجات" باشد، می‌تواند با رعایت قانون تجارت و انتقال سهام با نام "قبض سهام بی‌نام"، که خود واقف به عنوان "تولیت" برای تنظیم وقفنامه اقدام نماید.

۴. اگر مال مورد وقف زمین زراعی، خانه، مغازه و یا سایر مستغلات باشد چنانچه فاقد سند مالکیت باشد به اعتبار "حق تصرف" و سایر اسناد موجود، "وقفنامه عادی" تنظیم و به امضای واقف و شهود می‌رسد.



۵. در صورتی که املاک دارای "سند مالکیت ثبتی" باشند، واقف و متقاضی می‌تواند مستقیماً و بدون نیاز به اجازه از ارگان خاصی با مراجعه به یکی از "دفترخانه‌های اسناد رسمی" درخواست ثبت وقف اموال خود را مطرح کند، سپس این دفاتر استعلام‌های لازم را از نهادهایی مانند اداره اقتصاد و دارایی، اداره ثبت، شهرداری و اوقاف و برخی دیگر از نهادهای خدماتی به عمل آورده و پس از آن مبادرت به تنظیم وقفنامه کنند.

۶. از نظر بدهی مالیاتی باید توجه داشت که ملک مورد وقف بدهی سنگین مالیاتی نداشته باشد زیرا متقاضی باید نسبت به پرداخت مالیات آن اقدام نماید.

۷. چنانچه واقفان جدید نخست به ادارات اوقاف مراجعه نموده و راجع به نحوه وقف کردن از نظر تعیین مصرف درآمد، شیوه تعیین متولی و سایر موارد مرتبط مشورت نمایند، با استفاده از تجارب کارشناسان وقفی و نکات برجسته سایر وقفنامه‌ها موجود می‌توانند اقدام جامع‌تری به عمل آورند، زیرا در ادارات اوقاف و امور خیریه وقفنامه‌های مختلفی به عنوان الگو و نمونه وجود دارد.

۸. واقفان می‌توانند خود اقدام به تعیین اشخاص دارای صلاحیت لازم از نظر شرعی و قانونی به عنوان "وصی" یا "متولی" یا "وکیل" بنمایند، نیز ادارات اوقاف و امور خیریه علاوه بر ارائه مشورت‌های کارشناسی به داوطلبین امر وقف، آمادگی قبول "وصایت" و "وکالت" از طرف واقف را داشته و برای بعضی از واقفان نیز برخی تسهیلات را اعطا می‌نمایند.

۹. بعضی افراد (خصوصاً افراد مسن) علاقه‌مند به وقف خانه مسکونی خود بوده و از طرفی نگران می‌باشند که پس آنکه خانه شخصی خود را وقف نموده، دیگر خود شخصاً یا خانواده تحت تکفل وی نمی‌توانند از آن استفاده کنند، و حتی برای سکونت نخواهند داشت.

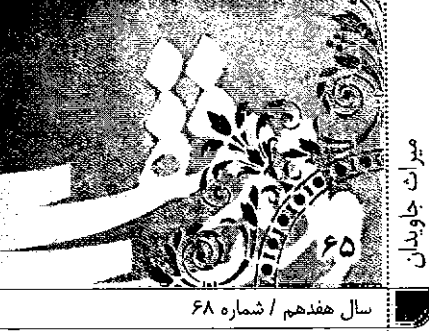
در این زمینه اخیراً برابر فتوایی که از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، دریافت شده است: واقف می‌تواند با شرط سکونت در خانه تا پایان عمر مبادرت به وقف نموده، و به گونه‌ای اقدام کند که در طول حیات دغدغه‌ای نداشته و بعد از فوت او نیز ورثه مدعی ارثی بودن آن موقوفه نشوند، و بدین ترتیب اقدام فوق مصداق "وقف بر نفس" که فقها آن را جایز نمی‌دانند، نبوده، و اشکال شرعی بر آن وارد نمی‌باشد.

۱۰. به واقفان توصیه می‌شود هنگام تنظیم وقفنامه، شخص "متولی" بعد از خود را تعیین نموده و او را مکلف به تعیین متولی بعدی نماید، و بدین ترتیب. و نیز این نکته را مرقوم بدارد که اگر چنانچه متولی وقت قادر به تعیین متولی بعدی نشود راه حل را در وقفنامه ارائه کند، و یا مثلاً تعیین کند که متولی "هیئتی مرکب از چند نفر من جمله: رئیس دادگستری استان یا شهر، مدیرکل اوقاف استان و مدیر سازمان یا اداره‌ای که مأموریتش به اهداف واقف نزدیکتر است" مبادرت به تعیین تولیت نمایند.

۱۱. همچنین توصیه می‌گردد که واقفان جدید قبل اتمام و ثبت وقف و نوشتن وقف نامه، تمامی شروط و قیود مورد نظر خود را ذکر نمایند، زیرا پس از وقوع وقف و ثبت آن، واقف نمی‌تواند از اصل وقف رجوع کند یا در آن تغییری ماهوی بدهد.

۱۲. نکته قابل ذکر اینکه هر چند ممکن است از ناحیه برخی ادارات اوقاف برخی سختگیری‌هایی نسبت به متولیان اعمال شود، اما تجربه ثابت کرده متولیان بدون کمک ادارات اوقاف قادر به ایفای کامل وظایف خود نمی‌باشند. از طرفی دیگر ادارات اوقاف همراه با متولی خود به عنوان "امین" دلسوز به اداره آن موقوفه می‌پردازند، و با این کار آثار و برکات خوبی شامل موقوفه می‌شود، لذا به داوطلبان وقف کردن اموال خود، توصیه می‌گردد حتی المقدور "نظارت" اداره اوقاف که دستگاه تخصصی امور وقف می‌باشد را در فرآیند نوشتن وقفنامه تصریح کنند.





فهرست منابع

۱. محقق حلی، شرایع الاسلام، ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
۲. امامی، حسن، حقوق مدنی، ج ۱، ج هشتم، انتشارات اسلامیة: تهران، ۱۳۸۰.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، ج پنجم، انتشارات گنج دانش: تهران، ۱۳۸۰.
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۲.
۵. جابری، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی (باب وقف)؛ انتشارات امیرکبیر؛ تهران؛ ۱۳۶۳.
۶. ریاحی سامانی، نادر؛ وقف و سیر تحولات قانونگذاری در موقوفات؛ انتشارات نوید، شیراز؛ ۱۳۷۸.
۷. ریاحی سامانی، نادر؛ چرا و چگونه وقف کنیم؟؛ سازمان چاپ و انتشارات؛ ۱۳۸۸.
۸. ابن سعد، الطبقات الکبری، محمد کاتب واقدی؛ دار بیروت للطباعة و النشر: بیروت ۱۴۰۵ هـ ق، ۱۹۸۵ م.
۹. سیاح، احمد، فرهنگ جامع فارسی به فارسی، چاپ دوم، انتشارات اسلام، ۱۳۷۳.
۱۰. سلیمی فر، مصطفی؛ نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن؛ چاپ اول، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛ ۱۳۷۰.
۱۱. حائری (یزدی)، محمدحسن؛ وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی؛ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛ چاپ اول ۱۳۸۰.
۱۲. جناتی، محمد ابراهیم؛ وقف از دیدگاه مبانی اسلامی؛ فصلنامه وقف میراث جاویدان؛ سازمان اوقاف و امور خیریه؛ شماره پنجم؛ بهار ۱۳۷۳.
۱۳. مجلسی، علامه محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت؛ مؤسسة الوفاء؛ ۱۴۰۴ قمری.
۱۴. نجفی، حافظ؛ وقف در سیره معصومین (ع)؛ فصلنامه وقف میراث جاویدان؛ سازمان اوقاف و امور خیریه؛ شماره ۴۸-۴۷؛ ۱۳۸۳.
۱۵. شهیدی فر، فریبا؛ وقف در سیره معصومین(ع)؛ نرم افزار کتابخانه وقف.

